

قانون اساسی در آئینه قرآن و حدیث

اصول یکم تا چهارم

سید ابوالفضل خیام شهرکی

سیده فاطمه موسوی

انتشارات زرنوشت

تهران - ۱۴۰۲

سرسناسه	:	خیام شهرکی، سید ابوالفضل، ۱۳۷۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	قانون اساسی در آیینه قرآن و حدیث / نویسنده: سید ابوالفضل خیام شهرکی، سیده فاطمه موسوی
مشخصات نشر	:	تهران: زرنوشت، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	ص. ۷۴.
شابک	:	۱ - ۱۳۴ - ۳۸۰ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیبای مختصر
یادداشت	:	اطلاعات کتاب‌شناختی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir در دسترس است.
شناسه افزوده	:	موسوی، سیده فاطمه، ۱۳۸۳ -



انتشارات زرنوشت

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی،

کوچه مهدی‌زاده، شماره ۲۷، واحد ۱۹

تلفن: ۶۶۴۳۵۶۳۷

www.zarnevsh.com

قانون اساسی در آیینه قرآن و حدیث

نویسندگان: سید ابوالفضل خیام شهرکی،

سیده فاطمه موسوی

• چاپ اول: ۱۴۰۲ • شمارگان: ۱۰۰ نسخه • ناشر: زرنوشت

شابک: ۱ - ۱۳۴ - ۳۸۰ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

تقدیم به روح پرفتنوح و بزرگوار بنیانگذار
کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله
العظمی امام خمینیؑ

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول
۱۱	اصل اول
۱۷	فصل دوم
۱۷	اصل دوم
۲۹	فصل سوم
۲۹	اصل سوم
۶۳	فصل چهارم
۶۳	اصل چهارم
۶۸	فهرست منابع

مقدمه

قانون در لغت‌نامه علامه دهخدا به «حکم اجباری که از دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صدور یابد و مبنی و متکی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با طبیعت انسان باشد و بدون استثناء شامل همه افراد مردم آن مملکت گردد و اغراض مستبدانه اشخاص را در آن دخالتی نباشد.» معنا گردیده است و دکتر بیژن عباسی در کتاب مبانی حقوق اساسی، قانون اساسی را اینگونه تعریف نموده‌اند: «قانون اساسی متن یا عرفی است حاوی مجموعه‌ای از قواعد برتر که نظام حقوقی قدرت سیاسی در دولت را معین و حقوق و آزادی‌های مردم را تضمین می‌کند».

با توجه به تعاریف فوق می‌توان دریافت که اولاً قانون اساسی از سایر قوانین حقوقی برتر است، ثانیاً نقش تعیین‌کننده و خاصی در چارچوب و بروز افعال و تصمیمات سیاسی حاکم بر کشورها دارد و ثالثاً متکی بر طبیعت انسان است و با تمدن بشری تناسب دارد؛ لذا اهمیت و تاثیرگذاری پژوهش و مکتوبات علمی در این باره واضح است.

جمهوری اسلامی نیز همان مردم‌سالاری اسلامی است که قوانین حاکم بر جامعه، در چارچوب اسلام و احکام متعالی الهی در تمام ارکان آن جاریست و انطباق جامعه و حاکمیت با اسلام، رکن اصلی و حیاتی آنست. همانگونه که

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در آخرین دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت هشتم در دهم مردادماه ۱۳۸۴ شمسی در این خصوص بیان داشتند: «جمهوریت - یعنی مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه - در این کشور همواره با اعتقاد به اسلام و حرکت در جهت اسلام همراه است»^۱.

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در کتاب حقوق و سیاست در قرآن نیز به این نکته متذکر می‌شوند که: «همه انسان‌ها - در هر زمان و مکان - به اطاعت همه جانبه از این دین مکلف هستند و در مسائل حقوقی - از جمله تعیین قانونگذار، قاضی و مجری قانون - نیز باید کاملاً فرمان‌بردار تعالیم و تکالیف این دین مقدس باشند».

پس با توجه به اهمیت و ارزش قانون اساسی در شاکله سیستم حقوقی - سیاسی دولت و اهمیت تطابق قانون با اسلام، در کتاب پیش‌رو تلاش گردیده است تا اصول یکم تا چهارم از اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گاه کلی و گاه جزئی بصورت تطبیقی با آیات مقدس قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه معصومین علیهم السلام تحلیل و بررسی شود. لازم بذکر است شاید نتوان از کتاب پیش‌رو بعنوان یک منبع تخصصی استفاده کرد، لکن می‌توان مدعی شد که کتاب حاضر می‌تواند یک دیدگاه کلی از تطبیق اصول

1 .<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2238#16917>

مذکور از قانون اساسی با اسلام به خواننده ارائه نماید. همچنین این اثر با در نظر گرفتن آخرین اصلاحات و الحاقات قانون اساسی مصوب همه پرسی ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸ نگاشته شده است.

به تمام کسانی که مرا در نگارش این اثر یاری نمودند، علی‌الخصوص همکار نویسنده سرکار خانم سیده فاطمه موسوی، مراتب تقدیر و تشکر خویش را تقدیم می‌نمایم. در پایان از همه‌ی صاحب‌نظران، اساتید و محققان سپاسگزار می‌شوم که مراتب نقد، اصلاح و نظر خود را درباره‌ی مطالب کتاب به اینجانب متذکر شوند.

سید ابوالفضل خیام شهرکی

خرداد ماه ۱۴۰۲

فصل اول

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است

ریشه لفظ جمهوری، اصطلاحی لاتین^۱ به معنای «امر عمومی» است و در اصطلاح، حکومتی است که مردم در آن، حق حاکمیت بر سرنوشت خودشان را بطور مستقیم یا غیرمستقیم دارند، و «حکومت جمهوری با محتوای اسلامی»^۲ که لفظ جمهوری در اصطلاح حکومتی به معنای: «در آن مردم یا مستقیماً

1 Res publica

۲ آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۷۴

اعمال حاکمیت می‌کنند و یا توسط نمایندگان برگزیده‌ی خود. یا به عبارت دیگر، حکومتی است که در آن جانشینی رئیس کشور ارثی نیست و مدت ریاست جمهوری محدود است و انتخاب رئیس جمهوری با مراجعه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد.^۱ می‌باشد، جمهوری اسلامی است؛ بدین معنا که جامعه در چارچوب‌های حکومت اسلامی، به گونه‌ای که غالب مردم هم در ایجاد حکومت، هم در اداره‌ی جامعه و هم در ادامه‌ی حکومت نقش دارند، اداره می‌شود.

این نقش اساسی مردم در سرنوشت خودشان موثر است؛ هم می‌تواند سازنده باشد و جامعه را به جلو سوق دهد و هم می‌تواند مخرب باشد و جامعه را از مسیر صحیح منحرف کند. تاثیر انتخاب‌ها، مشارکت‌ها، اقدامات و رفتارهای مردم در آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند»^۲، بیان گردیده است.

این اقدامات و مشارکت‌ها در شرایط و زمان‌های مختلف، متفاوت است. گاه اقدامات مردم در راستای تغییر و یا تحکیم مدیریت و حاکمیت است و گاه اقدامات آن‌ها با حضور و یا عدم حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، تاثیرگذار است. اما نکته قابل توجه اینست که قرار نیست از بیرون جامعه

۱ آقابخشی، پیشین، ۱۳۷۴ش، ص ۲۹۱

۲ سوره رعد، آیه ۱۱

معجزه‌ای رخ دهد تا اوضاع مردم تغییر کند، بلکه مردم باید با تحقیق و تفکر و از روی آگاهی تصمیم بگیرند، اراده کنند و متناسب با آن تصمیم اقدام نمایند. این تصمیمات و اقدامات گاه می‌تواند منجر به تغییر نظام حاکم بر جامعه یا در اصطلاح «انقلاب» گردد.

که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی،

در علم سیاست هرگونه رفرم، استحاله و انقلاب به رهبر نیاز دارد که مؤلفه‌های متعددی برای آن نظیر شجاعت، آگاهی، اقتدار، صداقت و زمان‌شناسی تعریف شده است. در اسلام نیز برای رهبر الهی مؤلفه‌هایی هست؛ اجتهاد و تفقه در دین را می‌توان مؤلفه‌ی اصلی رهبر اسلامی دانست. حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام در این خصوص می‌فرمایند: «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ!»؛ عالمان، فرمانروای بر مردم‌اند». امام صادق علیه‌السلام نیز درباره اهمیت این خصیصه رهبران اسلامی، در پاسخ به این پرسش که شیعیان در منازعات و پیشامدها چه کنند، بیان می‌دارند: «يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرِضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا؛ به شخصی از خود شما بنگرند که حدیث ما را روایت کند

و در حلال و حرام ما نظر افکند و احکام ما را بفهمد. به حکم او خرسند شوند، همانا من چنین کسی را بر شما حاکم قرار می‌دهم»^۱.

قرآن کریم نیز اشاراتی به ویژگی‌های رهبر الهی دارد؛ در آیه ۱۵۹ سوره مبارکه آل عمران (و شاورهم فی الأمر) اهمیت مشورت‌گیری و نظرخواهی در تصمیمات نهایی را برای رهبر اسلامی بیان می‌کند و در آیه ۲۴ سوره مبارکه سجده این چنین به لزوم شکیبایی و استقامت رهبر اسلامی تذکر می‌دهد: «و جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ؛ و از آن‌ها امامان (و پیشوایانی) برگزیدیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند بخاطر این که شکیبائی نمودند و به آیات ما یقین داشتند».

خداوند متعال در قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد (أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا)^۲ تا رهبری جامعه و امت اسلامی که بزرگترین و حساس‌ترین امانت و وظیفه‌ی الهی است را به اهل و شایسته‌ی این مسئولیت واگذار کنند. حضرت علی علیه‌السلام نیز در خصوص ویژگی‌های یک رهبر شایسته می‌فرماید: «فرمان خدا را تنها کسی می‌تواند اجرا کند که سازشکار نباشد و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو فرمان طمع نگردد»^۳. که امام خمینی رحمه‌الله علیه در بخشی از نامه‌ی خود به مردم، درباره‌ی آیت‌الله منتظری همین شاخصه‌ها را

۱ کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۵۶

۲ سوره نساء، آیه ۵۸

۳ مکارم شیرازی، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۶۱، حکمت ۱۱۰

برای خود این چنین می شمارند: «من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم، هرگز چشم پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند، دست از حق و حقیقت برنمی دارم.»

در همه پرسى دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادى الاولى سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.

همه پرسى نظرخواهی مستقیم از همه ی افراد جامعه مشروط به داشتن حق سیاسى (حق سیاسى اختیاری است که به فرد اجازه مشارکت در حاکمیت ملی خود را می دهد).^۲ به قصد رد یا تأیید سیاست و یا قوانینی است که رهبران سیاسى و حقوقی جامعه پیشنهاد کرده اند. در واقع افراد یک جامعه حق مشارکت در تعیین، تأیید، تغییر، تشکیل و اداره ی سرنوشت خودشان را دارند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۵۱ نهج البلاغه در خصوص اهمیت مشارکت سالم، رای اکثریت جامعه، حذر از فتنه ها، قانونمداری و قانون خواهی می فرماید: «سعی کنید شما پرچم فتنه ها و نشانه بدعت ها نباشید، آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده و ارکان اطاعت بر آن بنا

۱. خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹ش، ج ۲۱، ص ۳۳۱

۲ داودی، و مهدی فر، مشارکت سیاسى در جمهوری اسلامى؛ مبانی فقهی و گونه های حقوقی، ۱۴۰۰ش، مقدمه

شده رها مسازید»^۱.

روش اداره‌ی حکومت نیز بنابر نظریه‌ی مشروعیت دوگانه (الهی-مردمی)^۲ که نظریه‌ی مورد پذیرش نظام است، با برپایی همه‌پرسی به پیشنهاد امام خمینی رحمة الله علیه و با رای اکثریت قاطع مردم، «جمهوری اسلامی» تعیین و تأیید گردید.

۱ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، ص ۳۲۲، خطبه ۱۵۱

۲ بر پایه این دیدگاه، حکومت اسلامی دارای مشروعیتی با واسطه است؛ بدین بیان که هرچند همه فقها ولایت شرعی دارند، ولی امر مسلمین کسی است که از حمایت مردمی نیز برخوردار باشد. (فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۳۹)

فصل دوم

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

توحید (یگانگی خداوند در ذات، صفات و افعال و یکتایی و بی مانندی خداوند متعال در شایستگی مورد پرستش قرار گرفتن) بنیادی ترین اصل اعتقادی اسلام است، به گونه ای که ملاصدرا توحید را نهایت هدف قرآن کریم

می‌داند.^۱ در آیات قرآن کریم نیز توحید به شکل‌های مختلفی بیان گردیده است: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^۲، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۳، «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»^۴ و «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»^۵. همچنین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص جایگاه اساسی توحید در اسلام می‌فرماید: «التوحید نصف الدین»^۶.

وقتی که می‌پذیریم خداوند یگانه خالق و پدیدآورنده عالم هستی است، باید بپذیریم که تنها مالک، حاکم، مدیر، مدبر و یگانه قانون‌گذار عالم خلقت است. در قرآن کریم بیش از ۳۰ مرتبه عبارت «علی کل شیء قدیر» برای خداوند بیان گردیده است و عباراتی نظیر: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۷ و «إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»^۸ نیز همگی مبین اختصاص حاکمیت و تشریح به خداوند هستند. تمامی این مطالب به وضوح بیان‌گر لزوم تسلیم بودن در برابر اوامر و مقدرات خداوند است، چراکه تنها ارتباط عاقلانه و عادلانه میان یگانه خالق حاکم مدیر و مخلوقش، تسلیم محض بودن مخلوق در برابر خالق است؛ زیرا تسلیم خالق بودن تجزیه‌پذیر نیست. ابوسعید ابوالخیر با لحنی دلکش معنای

۱ صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۵۴

۲ سوره اخلاص، آیه ۱

۳ سوره صافات، آیه ۲۵، و سوره محمد، آیه ۱۹

۴ سوره بقره، آیه ۱۶۳

۵ سوره کهف، آیه ۱۱۰، و سوره انبیاء، آیه ۱۰۸

۶ شیخ صدوق، التوحید، ۱۳۵۷ش، ص ۶۸

۷ سوره مائده، آیه ۱۲۰، و سوره آل عمران، آیه ۱۸۹، و سوره نور، آیه ۴۲

۸ سوره حدید، آیه ۵

توحید را اینچنین بیان می‌دارد:

عارف که ز سر معرفت آگاه است

بی خود ز خودست و با خدا همراه است

نفی خود و اثبات وجود حق کن

این معنی لا اله الا الله است

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

وحی در لغت به معنای الهام، پیغام، اعلام در خفا و کلام خفی^۱ است، در اصطلاح نیز وحی «یک نوع سخن گفتن آسمانی است که از راه حس و تفکر عقلی درک نمی‌شود، بلکه درک و شعور دیگری است که گاهی در برخی از افراد به مشیت الهی پیدا می‌شود و دستورات غیبی را که از حس و عقل پنهان است از وحی و تعلیم الهی دریافت می‌کند»^۲.

خداوند در این رابطه در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ؛ آن چه از کتاب به تو وحی کردیم حق است»^۳. اهمیت ایمان به وحی الهی در آنست که انسان در هر دو سطح فردی و اجتماعی با پذیرش قلبی این مسئله که احکام و قوانین جاری در زندگی فردی و جامعه اسلامی، از سوی خداست، می‌تواند نقش مسلمانانه و صحیح خود را برای ترقی خویش و

۱ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۷ش، ج ۱۵، ص ۲۳۱۳۸

۲ طباطبائی، قرآن در اسلام، ۱۳۲۵ش، ص ۸۵

۳ سوره فاطر، آیه ۳۱

جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ایفا کند. اشتباهات ناخواسته خود را جبران نماید، از روی آگاهی و تحقیق تصمیم بگیرد، به انکار، نقض و مقابله با قوانین حق اسلامی نپردازد و خود و جامعه را به سمت کمال حقیقی که هدف اصلی آفرینش است، سوق دهد.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

باور به معاد از اصول دین اسلام است، به این معنا که مسلمان معتقد به زندگی پس از مرگ است و مرگ را پایان کار و پس از مرگ را نیستی نمی‌داند. اعتقاد قلبی به معاد سازنده است؛ هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی، در بعد فردی منجر به تنظیم رفتار، برنامه ریزی، آرامش روانی، شکل دادن به زندگی و غفلت زدایی می‌شود و در بعد اجتماعی ضامن اجرای قوانین، رعایت حقوق هم‌نوعان، جهاد، استقامت، یاری ضعفا و حمایت از مظلومین است.

باور به معاد به دو طریق بشارت و انذار نقش سازندگی دارد، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «آیات مربوط به قیامت خیلی تکان‌دهنده است. من پیشنهاد می‌کنم هر کدام به تنهایی آیات قیامت را مرور کنیم؛ چون به آن احتیاج داریم. این دیگر از چیزهایی نیست که انسان بتواند آن را ثبت کند و آمار بدهد. صدها آیه در قرآن درباره‌ی قیامت وجود دارد؛ هم بشارت‌های قیامت هست، هم تهدیدهای آن؛ هر دو تکان‌دهنده است. بشارت‌های قرآن هم تکان‌دهنده و جذاب و

شوق آفرین است؛ تهدیدهای قرآنی هم تکان دهنده است و دل انسان را آب می‌کند. «يُبْصِرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمئِذٍ بَنِيهِ وَصَاحِبَتَهُ وَأُخِيهِ وَفَصِيلَتَهُ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ»^۱؛ مجرم از شدت عذاب الهی آرزو می‌کند که بتواند فرزند خودش را فدا کند تا نجات پیدا کند؛ عزیزان خودش و همه‌ی انسان‌های روی زمین را قربانی کند تا از عذاب نجات پیدا کند؛ اما نمی‌تواند. عذاب الهی است، شوخی که نیست»^۲.

در قرآن کریم آیات بسیاری درباره روز موعود وجود دارد؛ در آیه‌ی ۱۱۵ سوره مبارکه هود خداوند به نیکوکاران مژده می‌دهد که پاداششان ضایع نمی‌گردد و در آیه‌ی ۲۵ سوره مبارکه انشقاق برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند پاداشی قطع نشدنی بشارت داده شده است. همچنین خداوند در آیه‌ی ۱۷۸ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است».

تفکر و تعقل در آیات متعددی که درباره‌ی معاد آمده است، می‌تواند

۱ سوره معارج، آیات ۱۱-۱۴

۲ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

نقطه‌ی عطف جوامع اسلامی در برابر سایر جوامع باشد چرا که همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، اعتقاد به معاد در هر دو بعد فردی و اجتماعی، سازنده است.

۴- عدل خدادار خلقت و تشریح.

عدل به معنای «هرچیزی را در جای مناسب خود قراردادن» تعریف شده است. قرآن به صراحت، فلسفه بعثت پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی را برپایی قسط و عدل در زندگی بشر^۱ عنوان نموده است.^۲ بدیهی است که عدل با تساوی متفاوت است، آیت‌الله محمد تقی مصباح در خصوص تفاوت میان عدالت و تساوی می‌فرماید: «لازمه عدل، برابر قرار دادن همه انسان‌ها یا همه اشیاء نیست، و مثلاً معلم عادل کسی نیست که همه شاگردان را، خواه کوشا باشند و خواه تنبل، بطور یکسان مورد تشویق یا توبیخ قرار دهد، و قاضی عادل کسی نیست که مال مورد نزاع را بطور مساوی بین طرفین دعوی تقسیم کند، بلکه معلم عادل کسی است که هر کدام از شاگردان را به اندازه استحقاقشان ستایش یا نکوهش کند، و قاضی عادل کسی است که مال مورد نزاع را به صاحبش بدهد».^۳

عدل الهی در آفرینش جهان هستی نیز به این معنا نیست که خداوند همه

۱ سوره حدید، آیه ۲۵

۲ جوان آراسته، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، ۱۳۸۹ش، ص ۷۴

۳ مصباح یزدی، آموزش عقاید، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۳

مخلوقات را یکسان و یک شکل بیافریند؛ خداوند متعال موجودات را متفاوت آفریده است و در هر کدام ویژگی‌ها و استعداد‌های متناسب با هدف خلقتشان قرار داده است، لکن عدالت در آفرینش به این معناست که در شرایط مساوی، بین مخلوقات تفاوت قائل نشود. همانگونه که خداوند در آیه ۷ سوره مبارکه انفطار آورده است: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» و در آیه ۴ سوره مبارکه تین نیز آمده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱.

و اما در خصوص عدل تشریحی، به گفته آیت‌الله سبحانی دو نکته اساسی وجود دارد: «یکی اینکه اگر در کاری کمال انسان در انجام تکلیفی خاص باشد خداوند حتماً آن را در قانون خود می‌آورد و دیگر این که کاری فراتر از طاقت انسانی بر او تکلیف نمی‌کند»^۲. در آیات قرآن هم به این موضوع اشاره شده است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند»^۳ و «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۴.

همچنین اگر در احکام و دستورات دینی بنگریم، متوجه این مسئله خواهیم شد که در دین عسر و حرجی نیست؛ مثلاً نماز و روزه مسافر، روزه بیمار، جهاد کودک، زن و سالمند، روزه و حج بیمار و از این دست احکام که در دین وجود دارد و نشانگر حقیقت عدل تشریحی از جانب پروردگار است.

۱ تقویم به معنای درآوردن چیزی بصورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است.

۲ سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۰

۳ سوره بقره، آیه ۲۸۶

۴ سوره حج، آیه ۷۸

ایمان به عدالت خداوند متعال نتایج بسیار مفیدی در جامعه بدنال دارد؛ موجب می‌شود انسان برای خود در جامعه ارزش، نقش و تاثیرگذاری قائل شود و در همین راستا و بر پایه ایمان به سایر اصول و مقدسات دین مبین اسلام، در جهت تحقق اهداف متعالی جامعه اسلامی بکوشد.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «آری؛ هرگز روی زمین خالی نمی‌شود از کسی که به حجت الهی قیام کند»^۱. این فرمایش حضرت علیه السلام بر صدق و اهمیت استمرار امامت و رهبری بر روی زمین گواه است. همچنین آن حضرت بیان می‌کنند: «الواجب فی حکم الله و حکم الإسلام علی المسلمین، بعد ما یموت إمامهم أو یقتل، ضالاً کان أو مهدیاً، أن لا یعلموا عملاً و لا یقدّموا یداً و لا رجلاً قبل أن یختاروا لأنفسهم إماماً عقیفاً ورعاً عارفاً بالقضاء و السنّه یجیء فیئهم و یقیم حجّهم جمعنهم، و یجیب صدقاتهم»^۲؛ واجب است در حکم خدا و حکم اسلام نسبت به مسلمین، اینکه هیچ عملی را انجام ندهند و دست به سوی چیزی و یا کاری دراز نکنند و قدم در هیچ جایی ننهند، مگر آنکه قبلاً برای خود رهبری عقیف و پرهیزکار و عارف و عالم به احکام قضا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله انتخاب نمایند. تا اموال عمومی را گرد آورد و حج و جمعه مردم را بپا دارد و صدقات را جمع نماید».

۱ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۷۳، حکمت ۱۴۷

۲ نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۳۶۶ ش، ج ۶، ص ۱۴

همچنین حضرت علی علیه السلام با تاکید بر اهمیت و ضرورت حضور مستمر رهبری در جامعه می فرماید: «الملوک حکام علی الناس، والعلماء حکام علی الملوک»^۱. حضرت ولیعصر ع نیز در توقیع شریف، شیعیان را در پیشامدهای اجتماعی به فقها ارجاع می دهند، و این چنین نقش علما را در زمان غیبت، برای شیعیان بیان می کنند: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى رواة حدیثنا (أحادیثنا) فإنهم حجّتی علیکم و أنا حجّة الله^۲؛ در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدایم».

در این خصوص روایات صحیح السند متعدد دیگری نیز در دست است که تنها به روایات فوق برای اهمیت استمرار امامت و ولایت در جامعه بسنده می کنیم. دلایل عقلی و قرآنی محکمی هم در ارتباط با این مهم مطرح شده است؛ در قرآن کریم به نقش سرپرستی و ولایت انبیاء در جامعه اشاره شده است^۳، امام رضا علیه السلام نیز در همین خصوص می فرماید: منزله الفقیه فی هذا الوقت کمنزله الانبیاء فی بنی اسرائیل^۴.

همه ی این ادله قرآنی، روایی و عقلی در جهت تفهیم اهمیت و لزوم بقا و استمرار ولایت الهی در جامعه بیان گردیده اند، تا جامعه اسلامی همواره بتواند

۱ نوری، پیشین، ۱۳۶۶ش، ج ۱۷، ص ۳۱۶

۲ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰

۳ سوره احزاب، آیات ۳۶ و ۳۶ و سوره آل عمران، آیات ۳۲ و ۱۲۲، و سوره انفال، آیه ۲۰

۴ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۴۶

حرکت رو به کمال خود را حفظ کند و تسریع نماید و از صراط مستقیم معرفت و عبودیت منحرف نگردد.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها.
ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

انسان موجودی است که خداوند فارغ از رنگ و جنس و نژاد، او را گرامی و آزاد آفریده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱. در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف نیز بر همین مسئله تاکید شده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود از دوش و گردنشان بر می‌دارد».

اما معنای این کرامت و آزادی چیست؟ اگر خوب به حقیقت وجودی و

ذات انسان دقت کنیم، متوجه می‌شویم که آدمی از بعد جسمانی تعلقات و وابستگی‌هایی دارد، نیازهایی دارد که باید آن‌ها را برطرف نماید و موجودی است محدود به مکان و زمان. پس آزادی گرایش و تمایل روحیست، کرامت و ارزش انسان بواسطه روح اوست؛ انسان می‌تواند با پرورش روح، خود را به اعلیٰ علیین و بالعکس با تقبیح و ذلیل کردن روح به خواسته‌های دانی، به اسفل سافلین، برساند.

انسان برای پرورش دادن روح به فضائل اخلاقی که منتج به رشد کرامت و آزادی و رسیدن به کمال می‌شود، نیازمند ابزارهایی است. مهم‌ترین و برترین وسیله‌ی رساندن بشر به تکامل، قرار گرفتن در مسیر قرآن و عترت است که این مهم جز با تفقه و اجتهاد در علوم دین بدست نمی‌آید، در آیه ۱۲۲ سوره مبارکه توبه در تذکر به این موضوع آمده است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انذار نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند»، قرآن کریم صراحتاً به لزوم تفقه و اجتهاد در مسائل و علوم دینی و نتایج آن، دستور می‌دهد.

طبیعتاً استفاده از فناوری، علوم، تجارب، دستاوردها و ابزارآلات نوین صنعتی در مسیر صحیح انسانی و پیشبرد آن‌ها در جهت رشد مادی و معنوی جامعه، می‌تواند زمینه ساز رشد و ارتقاء افراد جامعه در ابعاد مختلف زندگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شود.

همچنین مقابله با هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری که قرآن کریم هم در آیاتی نظیر ۴۰ و ۴۲ سوره مبارکه شورا، ۱۱۳ سوره مبارکه هود و ۱۵۲ سوره مبارکه انعام به آن متذکر شده است، زمینه رشد و استقلال فردی و اجتماعی بشر در دو بعد روحانی و جسمانی، در ارکان مختلف سازنده جامعه را فراهم می‌سازد.

فصل سوم

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

آراستگی به فضائل اخلاقی زمینه ساز رشد فرد و به تبع آن، رشد جامعه است. برای توجه به فضیلت‌ها و پرداختن به آن‌ها فرد باید با ایمان و اعتقاد قلبی راسخ خود، تقوای الهی را پیش گرفته و از گناه و فساد دوری کند. رسول

اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص اهمیت فضائل اخلاقی می فرمایند: «آیا شما را از بهترین افرادتان خبر ندهم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. حضرت فرمودند: خوش اخلاق ترین شما، آنان که نرمخو و بی آزارند، با دیگران انس می گیرند و از دیگران انس و الفت می پذیرند»^۱ و «خداوند از آدم بد اخلاق توبه نمی پذیرد. عرض شد: ای رسول خدا، چرا؟ فرمودند: چون هرگاه از گناهی توبه کند در ورطه گناهی بدتر از آن که توبه کرده است می افتد».^۲

اهمیت توجه و پرداختن به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل، بر کسی پوشیده نیست (قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق^۳؛ همانا من برای به کمال رساندن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام)، اما برای دستیابی به فضائل اخلاقی و رشد در این مسیر، انسان نیازمند مقدماتی درون خودش و در جامعه‌ای که در آن زندگی می کند، هست؛ که می توان مدعی شد مقدمات فردی نیز به مقدمات اجتماعی وابسته است. بدیهی است که مهم ترین و حساس ترین لازمه‌ی رشد اخلاقی افراد، مبارزه با فساد است که خوراک روح برای تقویت تقواست.

جامعه اسلامی موظف است تمام امکانات و تلاش خود را در جهت مبارزه با فساد بکار گیرد، تا مقدمات لازم جهت رشد معنوی افراد جامعه را فراهم سازد.

۱ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۹۵

۲ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۹۹

۳ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۱

قرآن کریم نیز در خصوص ضرورت مبارزه با فساد در جامعه، در آیه ۱۱۶ سوره هود بیان می‌کند: «چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند، مگر اندکی از آن‌ها که نجاتشان دادیم و آنها که ستم می‌کردند از تنعم و تلذذ پیروی کردند و گناهکار بودند (و نابود شدند).

روشن است که اگر در جامعه‌ای (چه کوچک و چه بزرگ) جای فضائل و رذائل اخلاقی عوض شود، نمی‌توان از اعضای جامعه انتظار رشد اخلاقی داشت، چرا که تشخیص فضیلت و رذیلت از یکدیگر، در جامعه‌ای که جایگاه ارزش‌ها در آن رعایت نمی‌شود، کاری بس دشوار است. لذا انتظار می‌رود جامعه اسلامی با نهایت جدیت، علیه تمام مظاهر فساد مبارزه کند تا مقدمات دستیابی به این مهم (رشد فضائل اخلاقی افراد جامعه و تحقق اهداف دولت اسلامی) در میان امت اسلامی، فراهم گردد.

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

انسان موجودی اجتماعی است، با هم‌نوع خود ارتباط می‌گیرد، زندگی گروهی دارد و نقش خود را از طریق تعامل با افراد دیگر، در جامعه اجرا می‌کند. یکی از لازمه‌های نقش‌پذیری و تاثیر مثبت افراد در جامعه، افزایش سطح آگاهی آن‌ها در تمام زمینه‌ها از جمله: بهداشت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اخبار ملی و

بین‌المللی، علوم و فناوری هاست. امام خمینی رحمة الله علیه بنیانگذار کبیر انقلاب در این خصوص بیان می‌دارند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود»^۱.

اهمیت آگاهی‌بخشی به افراد جامعه مشخص است، لکن این مهم نیازمند ابزارها و امکاناتی است تا از طریق آن‌ها دولت بتواند این حق و وظیفه مهم را در قبال مردم ادا کند. کارآمدترین این ابزارها رسانه است. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند بزرگوارشان، در همین مورد به اهمیت منابع خبری، سرعت اطلاع‌رسانی، رده‌سنی و جنسیت مخاطبان و آزاداندیشی^۲ اشاره می‌کنند، که خود نمایانگر وظیفه سنگین دولت و رسانه‌ها در این مورد می‌باشد.

واضح است که نظام اسلامی با توجه به اهمیت و ضرورت بالا بردن سطح آگاهی مردم، وظیفه دارد از تمام امکانات علی‌الخصوص رسانه و مطبوعات در جهت آگاه‌سازی مردم در همه‌ی زمینه‌ها استفاده کند و آگاه‌سازی افراد جامعه را از اهداف مهم خود بداند.

۱ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۲۴۸

۲ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، نامه ۳۱

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

این مسأله که تعلیم و تربیت برای فرد و جامعه امری مفید و الزامی است بر کسی پوشیده نیست. تاثیرات مثبت اجتماعی، فرهنگی و روانی زیادی بر فرد و جامعه می‌گذارد، به آگاهی و دانش افراد که منجر به بروز خلاقیت، اختراع، اکتشاف و رشد چند جانبه می‌شود، کمک می‌کند و موجبات تأدیب و تهذیب افراد جامعه را فراهم می‌سازد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت علم آموزی و تعلیم می‌فرمایند: دانش آموزید و در پی علم روید اگرچه تا چین باشد.^۱ قرآن کریم نیز در آیاتی به اهمیت تعلیم و تربیت پرداخته است؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَلْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ و «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».^۳

آیات و روایات متعددی درباره اهمیت تعلیم و تعلم آمده است. تلاش و

۱ شهید ثانی، منیة المرید، ۱۳۷۱ق، ص ۹

۲ سوره زمر، آیه ۹

۳ سوره جمعه، آیه ۲

تکاپوی وسیعی که اسلام در میدان تعلیم و تعلم دارد، در هیچ جای دیگر به چشم نمی‌خورد؛ چرا که دین الهی، هم جاهلان را به آموختن واداشته و هم آموزش را بر عالمان، واجب کرده است و به هر دو قشر (دانشمند و دانشجو) سفارش کرده که هرگز به اندوخته‌های خویش بسنده نکنند.^۱

تربیت با توجه به ابعادی که در انسان مورد پرورش قرار می‌گیرد، به سه نوع بدنی، عقلی و قلبی تقسیم می‌شود.^۲ ورزش (تربیت بدنی) از مفیدترین و سالم‌ترین سرگرمی‌هایی است که اوقات فراغت را پر می‌کند، کسالت و تنبلی را از انسان دور می‌کند، نشاط آور است، اخلاق را نیکو می‌کند، عزت نفس و اعتماد بنفس را می‌افزاید، منجر به افزایش سلامتی و طول عمر می‌شود و کاهش افسردگی و استرس را بدنبال دارد. اسلام نیز به ورزش در جهت حفظ سلامتی توجه نموده است، حضرت علی علیه السلام سلامتی را بهترین نعمت‌ها شمرده‌اند.^۳ همچنین ورزش ارتباط مستقیمی با تعلیم و تربیت دارد، از قدیم گفته‌اند: عقل سالم در بدن سالم است. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به اهمیت تعلیم و تربیت و ورزش اشاره می‌فرماید: «به نظر من، دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد».^۴

۱ الهامی نیا، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۳

۲ الهامی نیا، پیشین، ۱۳۷۶ ش، ص ۹۱

۳ الصّحة افضل النعم، (تمیمی آمدی، پیشین، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۶)

۴ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

روشن است که تعلیم و تربیت در کنار ورزش و حفظ سلامت و بهداشت، دو مؤلفه‌ی مهم و اساسی در پیشبرد جامعه بسوی اهداف متعالی خودش است. دولت اسلامی هم موظف است تا مقدمات، امکانات و زیرساخت‌های لازم را، جهت تحصیل و ورزش رایگان در مقاطع مختلف، برای افراد جامعه فراهم نماید.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

بر کسی پوشیده نیست که پیشرفت کشورها در گرو پیشرفت علمی در تمام زمینه‌هاست. دستیابی به قله‌های علمی نیز جز با برنامه‌ریزی و صرف هزینه در پژوهش و تحقیق و تأسیس پژوهشگاه‌های تولید علم، میسر نیست. کم رونقی پژوهش و تحقیق در هر رشته‌ای به کم رونقی و ناکارآمدی آن رشته خواهد انجامید. با پژوهش و تحقیق است که درخت دانش جان می‌گیرد، رشد می‌کند و ثمر می‌دهد و به طور کلی، پیشرفت و ترقی مادی و معنوی جوامع انسانی، مدیون پژوهش و تحقیق است. ۱. خداوند نیز در آیه ۱۰۱ سوره مبارکه یونس انسان را به تحقیق، مشاهده و مطالعه مجموعه خلقت و هستی، تشویق می‌کند: «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ بگو نگاه کنید آنچه را (از آیات خدا و نشانه‌های توحیدش) در آسمان‌ها و زمین است.»

جایگاه، اهمیت، تاثیر و ارزش محقق و تحقیقاتش بر کسی پوشیده نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد جایگاه معنوی پژوهشگر می‌فرماید: «اگر مومنی بمیرد و از خود ورقی حاوی علم بر جای بگذارد، همین یک ورق در روز قیامت میان او و آتش حایل می‌شود و خداوند تبارک و تعالی برای هر حرفی که بر آن ورق نوشته شده باشد، شهری هفت برابر وسعت دنیا، به او می‌بخشد»^۱.

امروزه هم با توجه به پیشرفت ابزارآلات مختلف، سیستم‌های دستیابی به اطلاعات و داده‌های گوناگون، اینترنت، افزایش آگاهی دولت‌ها مبنی بر اهمیت پژوهش و ثمربخش بودن صرف زمان و هزینه در آن و وجود منابع تحقیقاتی بسیار گسترده در علوم و فنون مختلف، این امر ضروری، آسان‌تر از گذشته گردیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با آگاهی کامل نسبت به اهمیت و ضرورت این موضوع، اکنون به یکی از قدرت‌های علمی جهان اسلام و به تبع آن، دنیا تبدیل شده است و در تمام عرصه‌های علمی نظیر: علوم اسلامی، علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی و پیراپزشکی، نانو و بیوتکنولوژی، ریاضیات، فیزیک، شیمی، ژنتیک و ... صاحب عنوان جهانی گردیده است.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

استعمار در لغت به معنای «آباد کردن» است. واژه‌ای با معنی مثبت و

اصطلاحی سیاسی با معنای خدمت به دولت‌های کوچکتر اما با کاربردی ظالمانه؛ در اصطلاح به فعالیت‌های غاصبانه و غارتگرانه دولت‌های استعمارگر به بهانه آباد کردن کشورها و تسلط بر حقوق مادی و معنوی آن‌ها، استعمار گفته می‌شود. ملتی که استقلال دارد، عزت نفس دارد و خود در جهت آبادانی جامعه، برای استفاده از منابع برنامه دارد، قطعاً ورود و دخالت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سایر دولت‌ها را بر نمی‌تابد.

اقتدار و استقلالی که پیش از انقلاب اسلامی از آن بی‌بهره بودیم، از قراردادهای ننگین دوران قاجار^۱ گرفته تا بذل و بخشش دوستانه قسمتی از ارتفاعات آزارات به ترکیه توسط رضاخان میرپنج و جدایی بحرین از خاک ایران در دوره پهلوی دوم.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای درباره نقش اسلام برای مقابله با استعمار و استکبار می‌فرماید: «بیداری اسلامی یک حقیقتی است که اتفاق افتاده است. بعد از ده‌ها سال متمادی تسلط دشمنان اسلام و دشمنان مسلمین بر جوامع اسلامی، چه به شکل استعمار مستقیم، چه به شکل استعمار جدید و استعمار غیر مستقیم، چه به صورت سلطه‌ی فرهنگی یا سلطه‌ی اقتصادی یا سلطه‌ی سیاسی؛ بعد از سال‌های متمادی که ملت‌های مسلمان فشرده شدند در زیر این فشارهای عظیم سلطه‌ی غربی و دولت‌های

۱ معاهده پاریس، قراردادهای ترکمنچای و داری، عهدنامه گلستان، امتیازنامه رویتر، قرارداد لاتاری و ...

اروپائی و آمریکائی بر کشورهاشان، بتدریج هسته‌ی بیداری، یقظه‌ی اسلامی رشد کرده، ثبت شده است و دارد خود را نشان می‌دهد. مردم دنیای اسلام امروز احساس می‌کنند که وسیله‌ی عزتشان، وسیله‌ی سربلندی‌شان، وسیله‌ی استقلالشان، اسلام است. به برکت اسلام، همه‌ی آرزوهای ملی یک ملت در دنیای اسلام می‌تواند برآورده شود. ملت‌های اسلامی به برکت اسلام می‌توانند در مقابل تسلط غرب، در مقابل تکبر دولت‌های غربی، در مقابل سلطه‌ی ظالمانه‌ی دولت‌های غربی، در مقابل استثمار و استکبار دولت‌های غربی بایستند»^۱.

حضرت علی علیه السلام هم دشمن‌شناسی را بهترین راه مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان می‌دانند و در خطبه‌ای جهت بسیج کردن مردم بسوی شام پس از پایان کار خوارج درخصوص اهمیت دشمن‌شناسی، بصیرت و یکپارچگی مردم، می‌فرماید: «نقشه‌ها برای شما می‌کشند اما شما مرد کشیدن نقشه‌ای برضد آنان نیستید؛ دشمن به شما حمله می‌کند و شهرها را از دستتان خارج می‌سازد، و شما به خشم نمی‌آیید! دیده دشمن برای حمله به شما خواب ندارد، ولی شما در غفلت و بی‌خبری بسر می‌برید، شکست از آن آنانی است که دست از یاری یکدیگر بر می‌دارند»^۲.

۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1060#37796>

۲ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ ش، ص ۹۳، خطبه ۳۴

لذا مقابله با دشمن و برنامه‌های نفوذ آنان به هر نحوی چه مستقیم و چه غیرمستقیم، چه بصورت جنگ مسلحانه و چه غیرمسلحانه ضروری است، و دولت و حاکمیت موظف به حفظ و تأمین امنیت ملی جامعه در تمامی ابعاد می‌باشد. دولت اسلامی نباید به هیچ نحوی اجازه دخالت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به دشمن بدهد. استعمار یک شکل ندارد. استعمار سیاسی داریم، استعمار اقتصادی داریم و استعمار فرهنگی داریم که از استعمار سیاسی و اقتصادی خطرناک‌تر است و اصلاً امکان ندارد که استعمار اقتصادی باشد، بدون استعمار سیاسی و استعمار فرهنگی.^۱ لذا نفوذ دشمن در هر یک از بخش‌های مذکور یعنی تحت استعمار قرار گرفتن امت اسلامی، به همین دلیل است که جلوگیری از نفوذ و استعمار دشمنان در هر زمینه و سطحی، از واجبات و الزامات اساسی حاکمیت اسلامی است.

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

استبداد در لغت به معنای «خودرائی» و «خودسری»^۲ است و در اصطلاح سیاسی نیز حکومت استبدادی حکومتی است که در آن، حاکم تمام قدرت سیاسی را بدون در نظر گرفتن قانون و حقوق مردم، در دست دارد، و در مسائل و تصمیمات، بدون در نظر گرفتن منع و تشویق عقلای جامعه، تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند. انحصارطلبی هم به معنای محدودسازی امتیازات قانونی،

۱ مطهری، آینده انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۹ش، ص ۱۶۲

۲ دهخدا، پیشین، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۲۱۱۵

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای یک عده خاص، فراتر از حد شایستگی و لیاقت آن‌ها است. از دقت در تعاریف فوق می‌توان دریافت که استبداد، خودکامگی و انحصار طلبی در تضاد قطعی با عدالت و عدالت‌خواهی است. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه خود به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان در نکوهش استبداد و انحصار طلبی می‌نویسند: «فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی است در گردنت، تو نیز باید مطیع مافوق خود باشی. درباره رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی! در مورد بیت‌المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن».^۱

شهید مطهری نیز درباره حکومت ظالمانه می‌نویسند: «این است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم. جمله عجیبی است: یک ملک، یک دولت، یک نظام با کفر قابل بقا هست ولی با ظلم قابل بقا نیست. هم کفر گناه است و هم ظلم، اما هر گناهی در یک جهت تأثیر دارد. تأثیر کفر در اینکه نظام یک زندگی را از هم بپاشد به اندازه ظلم نیست».^۲

هیچ شخصی را نمی‌توان یافت، که حاضر باشد تحت حاکمیت ظلم و ستم قرار بگیرد. بدیهی است که مردم حقوقی دارند و شاید بتوان مدعی شد که اساسی‌ترین، تأثیرگذارترین و مهم‌ترین این حقوق، رعایت عدالت اجتماعی،

۱ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، ص ۵۷۱، نامه ۵

۲ مطهری، آشنایی با قرآن، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۱۴۴

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی است. مشخصا دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید تمام امکانات و تلاش خود را بکار برد تا با هرگونه انحصارطلبی مبارزه کند و ظلم، ستم و نابرابری را از بطن جامعه محو سازد؛ چرا که زبینه یک حکومت اسلامی نیست که در آن، برخلاف شعار اسلامی برابری همه افراد، عده‌ای از امتیازات سیاسی و اقتصادی خاصی (انحصار) بهره ببرند و همه افراد جامعه در آن به یک چشم دیده نشوند.

۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

درباره آزادی سیاسی تعاریف متعددی هست، که نمی‌توان کامل‌ترین و دقیق‌ترین این تعاریف را مشخص کرد، لکن یکی از دقیق‌ترین تعاریف را منتسکیو در این باره ارائه کرده است: «آزادی سیاسی این نیست که هرکس هرچه دلش می‌خواهد بکند، بلکه در جامعه و حکومتی که قوانین حکمفرماست آزادی معنای دیگری دارد. آزادی آنست که افراد آنچه را باید بخواهند، بخواهند و بکنند و آنچه را موظف به خواستن آن نیستند مجبور نباشند انجام دهند»^۱، در حقیقت آزادی سیاسی و اجتماعی به مردم اجازه می‌دهد که در یک نظام سیاسی، حق داشته باشند هر منصبی از مناصب حکومتی را که شایسته تصدی آن هستند، اشغال کنند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی خود سهیم باشند و آرای اصلاحی و انتقادی خود را ابراز

کنند. حضرت علی علیه السلام در نامه خود به امام حسن مجتبی علیه السلام با اشاراتی به آزادی انسان می نویسد: «در آنچه موظف نیستی کسی را مخاطب نساز..... امر به معروف کن تا خود اهل معروف باشی..... بنده دیگری مباش چراکه خداوند تو را آزاد آفریده.»^۱

آیات و روایات متعددی در تأکید وجود آزادی انسان در تمام ابعاد من جمله سیاسی و اجتماعی وجود دارد، اما «در مجموع به نظر می رسد از میان تمام خطابات قرآنی پیرامون آزادی انتخاب، خطاب ذیل با تأکید بیشتری آزادی انتخاب انسان را مورد تأیید قرار می دهد: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ و اگر پروردگار می خواست تمام آن ها که در روی زمین هستند همگی (از روی اجبار) ایمان می آوردند، آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟»^۲

می توان مدعی شد که آزادی، مهم ترین و ارزشمندترین نعمت خداوند متعال به انسان است. آزادی وجودی انسان در تمامی ابعاد و جنبه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را، می توان یکی از مؤلفه های اساسی یک جامعه موفق، مولد و هدفمند دانست، که از مسائل اساسی، زیربنایی و مورد تأکید دین مبین اسلام است. لذا احترام حاکمیت به حقوق و آزادی های سیاسی

۱ مکالم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ ش، ص ۶۱۴ و ۶۲۷، نامه ۳۱

۲ سوره یونس، آیه ۹۹

۳ لک زایی، و نظری، قرآن و آزادی سیاسی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۳۱

و اجتماعی افراد جامعه، نشان از جمهوریت و مردم‌سالاری اسلامی است.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

حکومت ایران جمهوری اسلامی است،^۱ و این در ذات حکومت جمهوری است که با مشارکت مردم اداره شود و به جلو حرکت کند. جمهوری اسلامی در کلام مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری دینی عنوان شده است، یعنی «مردم باید بیابند انتخاب کنند. قانون‌گذار را که بر این اساس قانون خواهد گذاشت، بایستی مردم معین کنند. مجری را باید مردم معین کنند. همه چیز با انتخاب مردم، با حضور مردم، با عزت مردم و کرامت مردم است».^۲

قرآن کریم هم در آیات بسیاری به اهمیت و نقش مردم در حکومت اشاره می‌کند، در آیه ۳۸ سوره مبارکه شوری^۳ به اهمیت انتخابات و ضرورت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خودشان و ضرورت مشورت‌گیری رهبران از مردم، اشاره می‌کند. همچنین در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد، قرآن کریم تغییر اوضاع و شرایط جامعه و مردم را، نتیجه‌ی مشارکت آنان در امورات جامعه بیان می‌کند. مشورت کردن در امور و تصمیم‌گیری‌ها چه در بخش‌های کلی مثل امور

۱ اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۰/۱۲/۸

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=19232&nt=2&year=1390#21444>

۳ و آمرهم شوری بینهم

۴ إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یریوا ما بأنفسهم

مدیریتی و حکومتی و چه در بخش‌های جزئی مثل امور انفرادی افراد، یک روش پسندیده‌ی عقلایی است، نیاز به اثبات ندارد و مورد تأیید همه‌ی اهل خرد و دانش از دیرباز تا کنون بوده است. در روایات متعددی نیز از ائمه معصومین علیهم السلام به مشورت کردن، چه در امور حکومتی و چه در امور انفرادی، سفارش شده است. حضرت علی علیه السلام درباره لزوم مشورت‌گیری حکام از مردم می‌فرماید: «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ سزای را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید جز حکم الهی کاری بدون مشورت شما انجام ندهم».^۱ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره نمودیم، کلیه امور حکومت اسلامی در چارچوب احکام و قوانین الهی موضوعیت پیدا می‌کند که در کلام معصوم نیز به این مهم اشاره گردیده است. اهمیت توجه به آرا و دیدگاه‌های مردم را در سیره حکومتی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌توان مشاهده کرد. پیش از جنگ احد رسول الله صلی الله علیه و آله از مردم در خصوص اینکه در داخل شهر با دشمن روبرو شوند یا در بیرون از مدینه، نظرخواهی کردند. رای اکثریت مردم به رویارویی با دشمن در بیرون از شهر بود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز رای اکثریت مردم را به اجرا درآوردند. نکته قابل توجه اینست که طبق روایات تاریخی، نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله با نظر اکثریت مخالف بود، لکن ایشان به رای اکثریت عمل نمودند.

اما نکته حائز اهمیت اینست؛ حال که مردم توانایی انتخاب و تاثیر بر آینده خود را دارند باید بکوشند تا در انتخاب‌ها و مشارکت‌هایشان به نحو احسن تصمیم‌گیری کنند. حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «از حقوق واجب خداوند بر بندگان این است که به اندازه توانایی خود در خیرخواهی و نصیحت بندگانش کوشش کنند و در راه برقراری حق در میان خود، همکاری نمایند».^۱ نکته‌ای که خداوند در آیه ۲ سوره مائده^۲ نیز به آن متذکر شده است.

بی‌شک از آن‌جا که اداره‌ی موفقیت‌آمیز حکومت اسلامی زمینه و بستر بسیاری از کارهای نیک را فراهم خواهد کرد، خود امر اداره‌ی صحیح و موفق یکی از مصادیق خیر بحساب می‌آید. از این‌رو لزوم مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی و از سوی دیگر زمینه‌سازی امام جامعه‌ی اسلامی برای تحقق چنین تعاونی و استفاده از کمک‌های مردم، از وظایفی است که بر اساس توصیه به تعاون در قرآن کریم، قابل برداشت و استناد است.^۳

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

در طبیعت موجودات است که با هم متفاوت باشند، در سبک زندگیشان، در

۱ مکرم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، ص ۵۲۳، خطبه ۲۱۶

۲ و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العداون

۳ کمب، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی اصل ششم قانون اساسی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۵-۲۶

ظاهرشان، در توانایی‌هایشان و موارد دیگر. انسان‌ها نیز همین‌گونه هستند، با هم متفاوتند؛ لکن علت این تفاوت‌ها را باید در استحقاق آن‌ها دانست، یعنی تفاوت‌ها به علت نامساوی بودن شرایط است. مسأله‌ای که مذموم است، تبعیض است و نه تفاوت. فرق میان تبعیض و تفاوت را شهید مطهری به زیبایی با یک مثال روشن کرده‌اند: «اگر یک معلم به دانش‌آموزانی که همه در یک درجه هستند و کار آن‌ها یکسان است نمره‌های مختلفی بدهد، این تبعیض است، ولی اگر معلم، همه را به یک دیده بنگرد و همه را یک جور تعلیم دهد و یک جور امتحان کند و سؤالات امتحانی که طرح می‌کند برای همه یکسان باشد، آنگاه برخی از شاگردان او به خاطر کودنی و کم‌هوشی، یا به خاطر ساعی نبودن، از عهده امتحان بخوبی یا اصلاً بر نیایند و برخی دیگر از شاگردان به علت استعداد قوی و کار خوب، سؤالات امتحانی را کاملاً جواب بدهند، و معلم به هر کدام آن‌ها بر طبق جواب‌های امتحانی نمره بدهد که قهراً مختلف خواهد بود، در اینجا تفاوت رخ داده نه تبعیض»^۱.

پس آنچه که به سهولت می‌توان دریافت اینست که اولاً در هر جامعه‌ای قهراً میان افراد جامعه تفاوت‌هایی وجود دارد که نمی‌توان این تفاوت‌ها را تبعیض دانست، ثانیاً تبعیض، به نوعی ظلم و پایمال کردن حقوق افراد جامعه است. اگر در یک جامعه‌ای، میان افراد تبعیضات مادی، قومی، نژادی،

سیاسی و اجتماعی ایجاد بشود و حاکمیت در جهت رفع و زدودن این تبعیضات تلاش و اقدامی نکند، این حاکمیت در حق افراد جامعه ظالم است. ظلم به اندازه‌ای قبیح است که قرآن کریم در این خصوص بیان می‌کند: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی‌ها را اظهار کند مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد، خداوند شنوا و دانا است»^۱.

تبعیض و ناعدالتی مصادیقی دارد، از اختلاف طبقاتی ناروا و آموزش ناعادلانه گرفته تا بی‌عدالتی در قضا. تماما مذموم است و قرآن کریم نیز آینده‌ای دردناک برای درهم شکنندگان عدالت به تصویر کشیده است: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۲، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۳ و در آیه ۱۵۱ سوره آل عمران جایگاه ظالمان را آتش معرفی می‌کند: «مَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ».

لذا در نظر گرفتن اصلی در اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت زدودن و رفع تبعیضات ناروا و تلاش برای مقابله با تبعیض و بی‌عدالتی در همه سطوح و زمینه‌ها، بدیهی است. چرا که در حکومت اسلامی، توجه و تاکید بر مسائل و اصول اساسی اسلام، از واجبات و ضروریات حکومت

۱ سوره نساء، آیه ۱۴۸

۲ سوره آل عمران، آیه ۱۴۰

۳ سوره انعام، آیه ۱۴۴

است.

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

به زعم برخی نویسندگان، از نظر واضعان قانون اساسی نظام اداری صحیح، همان نظام اداری اسلامی با مؤلفه‌ها و اصول و ارزش‌هایی نظیر عدالت، کارآمدی، نظم، عقلانیت و شایستگی مسئولان و کارکنان اداره است. در نظام اداری صحیح، کوچک یا بزرگ بودن نظام اداری مهم نیست، بلکه کارآمدی، عدالت محوری، اثربخشی و انطباق نظام اداری با ارزش‌های واقعی و تکوینی الهی اهمیت دارد.^۱ بدیهی است که نیل به چنین هدفی نیازمند مدیریت قوی و علمی است، امام رضا علیه السلام نیز در همین باره می‌فرماید: «به درستی که ما در بررسی احوال بشر، هیچ گروه و فرقه‌ای را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد، مگر بوجود سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت نماید».^۲

در کلام معصوم مشخص است که این مدیریت و سرپرستی مختص به امور معنوی نیست، بلکه نظام اداری صحیح باید بتواند مالیات، زکات و خمس اخذ نماید، به آبادانی شهرها و روستاها بپردازد، در حوزه‌های مختلف نظیر ورزش، آموزش، پژوهش و فرهنگ هزینه کند و از سوی دیگر فرآیند و مراحل امور اداری را به حداقل برساند و در جهت رفع و محو فساد اداری بکوشد.

۱ تنگستانی، و مرادی برلیان، درآمدی بر تکلیف دولت در حذف تشکیلات غیر ضرور، ۱۴۰۲ش، ص ۵۰

۲ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۲ق، ج ۲۳، ص ۲۲

درحقیقت نظام اداری صحیح مجموعه‌ی کاملی از مدیریت اسلامی در امور مادی و معنویست، نه در امور مادی خلاصه می‌شود و نه در امور معنوی.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام با اشاره به فساد در سیستم اداری و نتایج آن می‌فرماید: «بالاخره سومی بپاخواست، او همانند شتر پرخور و شکم برآمده! همی جز جمع‌آوری و خوردن بیت‌المال نداشت؛ بستگان پدریش به همکاریش برخاستند، آن‌ها همچون شتران گرسنه‌ای که بهاران به علفزار بیفتند، و با ولع عجیبی گیاهان را بلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند؛ اما! عاقبت بافته‌هایش (برای استحکام خلافت) پنبه شد، و کردار ناشایستش، کارش را تباه ساخت و سرانجام شکم‌خوارگی و ثروت اندوزی، برای ابد نابودش ساخت»^۱.

بدیهی است که نظام اداری سالم که دربردارنده تمام مؤلفه‌های مذکور است، می‌تواند منجر به افزایش امید در جامعه، آرامش روانی افراد جامعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور گردد، و عدم توجه به این مسأله حیاتی، نتایج زیان‌بار و گاه جبران‌ناپذیری بدنبال دارد.

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

به هر مجموعه و ساختاری که در آن تعدادی موجود دارای حیات، زندگی

می‌کنند، دقت بکنیم متوجه می‌شویم که این موجودات برای بقا با تهدیداتی روبه‌رو هستند و اگر مجهز به تجهیزات دفاعی نباشند و برای ادامه حیاتشان قادر به دفاع از خود نباشند، امکان ادامه زندگی از آن‌ها سلب می‌شود. زندگی انسان نیز همین‌گونه است؛ دنیا از ظالمان و زورگویان قدرت طلب و غارتگران عزت و شرافت انسانی، خالی نیست، لذا می‌توان گفت که کشور اسلامی برای حفظ استقلال و آزادی خودش، نیازمند تقویت ساختار دفاعی است. دستیابی به این مهم جز با تقویت تجهیزات و نیروهای نظامی ممکن نیست.

قرآن کریم نیز درباره اهمیت تقویت بنیاد دفاعی جامعه اسلامی بیان می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به شما باز گردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد»^۱.

آیات و روایات بسیار زیادی در همین باره موجود است؛ «معروف است در

ایام جنگ «حنین» به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند: سلاح تازه و مؤثری در یمن اختراع شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.^۱ که این امر بیانگر ضروری بودن این مسئله است. در آیه ۸۰ سورا انبیاء^۲ نیز به همین مورد (تجهیزات نظامی) اشاره شده است.

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قضیه مستثنا نیست و باید بکوشد تا از طریق تقویت بنیه دفاعی و پیشرفت نظامی، از آرمان‌ها، آزادی و استقلال خویش دفاع کند، و از این ابزار بعنوان یک عامل بازدارنده مهم، در برابر تجاوزگران و غارتگران استفاده نماید. اصلی (پرداختن و توجه به مسئله دفاعی کشور) که در اصول اسلامی خلاصه نمی‌شود و در ساختار سیاسی تمام ملت‌ها، از اصول حیاتی و مهمی است که برای بقا و رشد جامعه، لازم است.

۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

برای اقتصاد تعاریف متعددی وجود دارد و ذکر دقیق‌ترین و جامع‌ترین تعریف اقتصاد، بسیار دشوار است، لکن چیزی که در همه‌ی تعاریف محسوس است،

۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۲۲۴

۲ و عَلَّمَنَا صِنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتَحْصِيَتِكُمْ مِنْ تَأْيِسِكُمْ فَمَهْلُ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؛ و ساختن زره را به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگ هایتان حفظ کند آیا شکر (این نعمت‌های خدا را) می‌گذارید؟!

اینست که اقتصاد درباره معاش و رفاه بشر بحث می‌کند. اسلام هم دینی است که برای رفاه مردم، زدودن فقر، توسعه اقتصادی و سیاسی مسلمانان، توزیع عادلانه ثروت و رفع محرومیت، اهمیت ویژه‌ای قائل است. از این رو تعریف اقتصاد در بستر احکام و قوانین اسلامی، کامل‌ترین نسخه‌ی علم اقتصاد است.

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوعات مرتبط با اقتصاد اشاره می‌نماید؛ در آیه ۳۹ سوره روم و آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، نهی از رباخواری می‌کند، در آیات ۷، ۸، ۸۰ و ۸۱ سوره نحل، آیات ۸۷ و ۸۸ سوره مائده و آیه ۱۷۲ سوره بقره، به استفاده از نعمت‌ها دستور می‌دهد و در آیه ۲۴۵ سوره بقره^۱ به امر مهم قرض الحسنه متذکر می‌شود.

برخلاف تصویری که عده‌ای کج‌اندیش از اسلام بعنوان دینی که در تضاد با توسعه‌ی اقتصادی است، ارائه کرده‌اند، اسلام نه تنها با توسعه اقتصادی مخالف نیست، بلکه این موضوع را نقطه قوت مسلمانان در برابر دشمنان می‌داند. نکته مهم اینست که تأکید اسلام بر کسب و مصرف صحیح آن است؛ حضرت امیرالمومنین علیه السلام در فرمان مالک اشتر صنعتگران را «منابع اصلی

۱ من ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیست که به خدا قرض الحسنه‌ای دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند)، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که (روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد، (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود). و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت).

منافع و اسباب آسایش جامعه»^۱ می‌دانند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پاداش کسب روزی حلال می‌فرماید: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲؛ کسی که برای (کسب روزی) خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست»، همچنین آن حضرت در خصوص تاثیر ثروت بر تقوا (در صورت استفاده صحیح از ثروت در جهت کمک به محرومین، جهاد و سازندگی، آبادانی زمین و زراعت و ...) می‌فرماید: «نعم العون على تقوى الله الغنى»^۳؛ توانگری چه خوب یآوری است برای پارسایی».

از سوی دیگر، رشد و توسعه اقتصادی، منافع و مزایای گسترده‌ای برای جامعه اسلامی دارد؛ افزایش تولید، خودکفایی، افزایش امنیت و اقتدار در تمام ابعاد، افزایش امید به زندگی، تأمین مسکن و خوراک جامعه، ایجاد اشتغال، تقویت عزت ملی، افزایش سلامت و بهداشت جامعه، کاهش فقر و اختلاف طبقاتی و رشد آموزش و پژوهش، از نتایج اصلاح سیستم اقتصادی و توسعه اقتصاد جامعه در بستر دستورات و حدود اسلامی است.

۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها.

شاید بتوان گفت اساسی‌ترین معیار ارزیابی رشد و نمو کشورها، خوداتکایی و

۱ مکرم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، ص ۶۸۵، نامه ۵۳

۲ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۲ق، ج ۹۳، ص ۲۲۴

۳ مجلسی، پیشین، ۱۴۰۲ق، ج ۷۴، ص ۱۵۳

استقلال آن‌ها در سیاست، اقتصاد و قدرت نظامی است. کشوری که در تأمین نیازهای اساسی خودش وابسته به بیگانه نیست، در ابراز سیاست‌های خویش نیز از جایی هراس ندارد. برای مسلمانان هم شایسته نیست که به بیگانگان و کفار وابسته باشند، همان‌گونه که امام خمینی رحمة الله علیه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی فرمودند: «مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند»^۱.

که این مطلب یک اصل قرآنی است و در آیه ۱۱۳ سوره هود آمده است: «و لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛ و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرو گیرد». این عقیده و عمل (منظور تکیه به توانایی‌های داخلی است) موجب حفظ هویت، استقلال و عزت جامعه می‌شود؛ حضرت علی علیه السلام با تأکید بر همین مسئله می‌فرمایند: «در خوراک و پوشاک همچون بیگانگان نباشید، تا مبادا استقلال خود را از دست داده و با دست نیاز بردن بسوی آن‌ها، نزد ایشان خوار شوید»^۲. به قول معروف: هرکه نان از عمل خویش خورد، منت حاتم طایی نبرد.

صرف هزینه در بخش تعلیم، تربیت و پژوهش، موجب خودکفایی و استقلال علمی می‌شود. خودکفایی علمی نیز باعث رونق تولید، صنعت و

۱ امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۰ ش، ج ۱۶، ص ۲۷

۲ برقی، المحاسن، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۱۰

کشاورزی می‌شود. همچنین توسعه دفاعی و نظامی کشور را بدنبال دارد و به تبع آن، اقتدار جامعه افزایش می‌یابد و عزت جامعه حفظ می‌شود. بر همین اساس است که بر استقلال و خوداتکایی در اسلام سفارش ویژه‌ای شده است. لذا شایسته نیست امت اسلامی در تأمین مایحتاج خود به بیگانگان و مشرکین وابسته باشد، تا این مسئله (وابستگی به بیگانگان) سبب شود، امت اسلامی نتواند عقاید سیاسی و فرهنگی خود را اظهار، و به تبع آن در دنیا گسترش دهد.

۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

در هر جامعه بزرگ و کوچکی، افراد آن جامعه حقوقی دارند، خواه زن باشند یا مرد، پیر باشند یا جوان. رعایت این حقوق هم نیازمند رفتار فردی است و هم اجتماعی. اگر به تجربه ملت‌ها در عصر حاضر دقت بکنیم، متوجه می‌شویم که ملتی موفق، پیشرفته و سربلند است که به رعایت عادلانه حقوق افراد پایبند بوده و نسبت به آن اهتمام ورزیده است. هر جامعه‌ای به یک دستگاه قضا کارآمد نیاز دارد تا با تحقق عدالت، حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مردم را تأمین نماید. تحقق این مهم، موجب پایداری ملت شده و رفتار مردم با یکدیگر و با دولت را اصلاح می‌کند؛ از این روست که حضرت

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ؛ عدالت، زندگی است» و «الْعَدْلُ قَوَامُ الرَّعِيَةِ؛ پایداری ملت به عدالت وابسته است».

برپایی چنین مجموعه نظام‌مندی به یک چارچوب اصولی، بی نقص و بدون تناقض نیاز دارد. این مبنا را تنها می‌توان در دستورات، قوانین و حدود الهی یافت، و مجموعه‌ی کامل قوانین الهی برای تکامل ابعاد گوناگون زندگی بشر در دستورات اسلام است. با آمدن اسلام بود که عدالت حیات دوباره یافت و تمایز افراد فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، ثروت و قدرت مشخص شد. برتری افراد به میزان تقوا^۱، شرافت و جوانمردی آن‌هاست. قرآن کریم هم در آیه ۱۰۵ سوره نساء^۲ تنها مبنای قضاوت و حکمیت میان مردم را دستورات الهی اسلام بیان می‌کند. پیشروی بسوی این اصول و تحقق آن، نه تنها کرامت و عزت مردم جامعه را حفظ می‌کند بلکه ثبات و پایداری حکومت اسلامی را بدنبال دارد. امام علی علیه السلام با تأکید به این موضوع می‌فرماید: «ثَبَاتُ الدُّوَلِ بِالْعَدْلِ؛ ثبات و پایداری دولت به عدالت وابسته است».

لذا جمهوری اسلامی که در آن ملت ایران، «بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به

۱ تمیمی آمدی، پیشین، ۱۴۱۰، ق، ص ۲۶

۲ تمیمی آمدی، پیشین، ۱۴۱۰، ق، ص ۴۳

۳ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ، سوره حجرات، آیه ۱۳

۴ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ؛ ما این کتاب را به حق بر تو فرستادیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی.

۵ تمیمی آمدی، پیشین، ۱۴۱۰، ق، ص ۲۹۸

حکومت حق و عدل قرآن^۱، تحت لوای عادلانه اسلام قرار گرفته‌اند، باید بکوشد و از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی خودش استفاده بکند تا به هدف مقدس مذکور که کمال و سعادت دنیوی و اخروی مردم را در پی دارد، نائل شود.

۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

برادری شعاری گیرا، عمیق، موثر و اساسی در اسلام است. شعاری که تحقق آن، مسلمانان را در برابر دشمنان به دژی مستحکم و نفوذ ناپذیر بدل می‌کند و همواره استقلال آنان را حفظ می‌نماید. خداوند در آیه ۱۰ سوره حجرات^۲ مومنان را برادر یکدیگر معرفی می‌کند، اخوتی که خود بذر محبتش را در دل‌هایشان نهاده و قلوبشان را انیس یکدیگر کرده است^۳، برادری مستحکم‌تر و عمیق‌تر از برادری نَسَبی، چراکه برادری نَسَبی قابل گسستن است (فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ؛ هنگامی که در صور دمیده شود هیچگونه نسبی میان آن‌ها نخواهد بود)^۴، اما برادری دینی حتی روز قیامت هم پایدار است.^۵ آری! برادری اسلامی محدود به زمان و مکان نیست، موجب وحدت مسلمانان است و اگر در غرب به مسلمانی ظلم شود، در شرق مسلمانان به احقاق حق از او

۱ اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأُخْلِجُوا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ؛ مومنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید.

۳ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ؛ در میان دل‌های آنها الفت ایجاد نمود. سوره انفال، آیه ۶۳

۴ سوره مومنون، آیه ۱۰

۵ وَتَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلِيٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ؛ هر گونه غل (حسد و کینه و عداوت و خیانت) از سینه آنها بر می‌کنیم (و روحشان را پاک می‌کنیم) در حالی که همه برادرند و بر سریرها روبروی یکدیگر قرار دارند. سوره حجر، آیه ۴۷

برمی‌خیزند. پیوندی است اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که رشد اسلام و مسلمانان را در پی دارد.

زمانی که از برادری سخن به میان می‌آید، ناگاه مؤلفه‌هایی از ارتباط برادری به ذهنمان می‌رسد، تعاون و همکاری یکی از این شاخصه‌هاست. تعاون در لغت به معنای «یکدیگر را یاری کردن»^۱ است و در اصطلاح نیز به همان معنی تعبیر می‌گردد. فعلی که به گفته رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اثر مهم آن، رسیدن خیر به امت اسلامی است.^۲ از این روست که در قرآن کریم به این امر سفارش شده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمائید».^۳ عملی که در تنگناها موجب حل مشکلات مسلمانان بدست یکدیگر، پیشرفت جوامع مسلمان، اقتدار و عزت مسلمین و سعادت دنیوی و اخروی آنان می‌گردد. لذا بدیهی است که حکومت اسلامی در جهت تحقق این مهم، باید از منابع و توان مادی و معنوی خود به بهترین شکل استفاده نماید.

۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

۱ دهخدا، پیشین، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۶۷۹۵

۲ حر عاملی، پیشین، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۲۳

۳ سوره مائده، آیه ۲

سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و کشورها به شمار می‌رود، چون بقا و حیات آن‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد.^۱ و منظور از سیاست خارجی در اسلام فعالیت‌هایی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند.^۲

این فعالیت‌ها یا همان سیاست خارجی، بر اساس اصولی در اسلام هدفگذاری می‌شوند؛ اساسی‌ترین اصل هدفگذاری در سیاست خارجی اسلامی، اصل توحید و دعوت جهانی آن است. دعوت به یکتاپرستی یا در معنای کامل‌تر، توحید، مهم‌ترین دلیل بعثت پیامبران بوده است، از طرفی مختص به عده‌ای خاص نیست و تمام جهانیان را شامل می‌شود.^۳ همچنین می‌توان مدعی شد که دعوت سراسری به توحید، بزرگترین ابزار گسترش اسلام است، چرا که «گفتگو و گفتار نرم هم هزینه کم‌تر و هم اثر بیشتری دارد، اصل سیاست خارجی اسلامی هدایت از راه تبلیغ، امر به معروف و نهی از منکر است

۴ اسلامی، سیاست خارجی در اسلام، ۱۳۹۲ش، چکیده

۲ محمدی الموتی، اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۰

۳ و ما أرسلناک إلا کافهً لیلئاسی بَشیراً و نذیراً، سوره سبأ، آیه ۲۸

تا بیداری اسلامی به وقوع بپیوندد».^۱

یکی دیگر از اصول هدفگذاری در سیاست خارجی اسلام، قاعده نفی سبیل است. به این معنا که مسلمانان هیچ‌گاه نباید تحت سلطه مشرکین قرار بگیرند. امام خمینی رحمة الله علیه در این خصوص می‌فرماید: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است، هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود، یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا بکند (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ سَبِيلًا) اصلاً راه نباید داشته باشند. مشرکین و این قدرت‌های فاسده، راه نباید داشته باشند بر مسلمین».^۲

از اصول اساسی و حیاتی است که منجر به حفظ عزت اسلام و مسلمانان، تمامیت ارضی ملت‌های مسلمان و ایجاد تعهدی برادر منشانه میان مسلمانان، جهت تقویت اسلام در سرتاسر دنیا می‌شود.

از اصول دیگر هدفگذاری سیاست خارجی در اسلام، اصل وفاداری به تعهدات بین‌المللی است. حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر در این مورد می‌فرماید: «اگر پیمانی بین تو و دشمنت بسته شد و یا تعهد پناه دادن را به او دادی، جامه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خود را محترم بشمار».^۳

۱ اسلامی، پیشین، ۱۳۹۲ش، ص ۶۲۶

۲ امام خمینی، پیشین، ۱۳۷۰ش، ج ۳، ص ۴

۳ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۸۷ش، ص ۶۹۱، نامه ۵۳

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز با پایبندی به مفاد صلح حدیبیه، رسم و منش التزام به تعهدات را در سیره عملی خویش به پیروانشان آموختند. همچنین اصل همزیستی مسالمت آمیز را می توان در زمره اصول هدف گذاری سیاست خارجی اسلامی دانست. در آیه ۲۰۸ سوره بقره^۱ نیز درباره این اصل مهم به مومنین تذکر داده شده است. هدفگذاری سیاست خارجی طبق اصول قرآنی مذکور، نتایج مثبت زیادی برای کشورهای مسلمان و مسلمین بدنبال دارد، مشروط بر اینکه تمام ملت های مسلمان بر همین اساس رفتار نمایند

فصل چهارم

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفهوم قابل دریافت از اصل چهارم، لزوم انطباق قوانین و مقررات بر اساس دستورات و موازین اسلامی است. با کمی درنگ و تأمل در اصل چهارم، یک پرسش اساسی در ذهن شکل می‌گیرد، چرا قوانین و

مقررات جامعه باید بر اساس موازین اسلامی باشد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش مهم و کلیدی، ابتدا باید مشخص گردد که موازین اسلامی چیست و به چه چیزی موازین اسلامی می‌گویند؟ موازین اسلامی یعنی معیارها و شاخصه‌هایی که انطباق با شرع یا خلاف شرع بودن یک مسئله را مشخص می‌کند.^۱

با توجه به آنچه که درباره‌ی موازین اسلامی گفته شد، مشخص است که چرا قانون‌گذار، فقهای شورای نگهبان را عهده‌دار تشخیص انطباق قوانین با موازین اسلامی دانسته است. امام خمینی رحمة الله علیه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی در همین خصوص می‌فرماید: «تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام، منحصر در صلاحیت فقهای عظام است که الحمد لله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند».^۲

حال اگر به پرسش اساسی مسئله (چرا قوانین و مقررات باید بر اساس دستورات اسلامی باشد؟) دقت شود، سوال دیگری در ذهن ایجاد می‌شود. آیا اسلام به همه‌ی نیازها و سوال‌های بشر (که در متن اصل مذکور تمام مسائل از جمله مدنی، جزائی، مالی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... عنوان شده است) پاسخ می‌دهد؟ خداوند در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل^۳، قرآن (اسلام) را بیانگر

۱ کعبی، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل مبانی اصل چهارم قانون اساسی، ۱۳۹۳ش، ص ۸

۲ خمینی، پیشین، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۳۰۹

۳ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

هرچیزی معرفی می‌نماید. اسلام دین جامعی است و کامل‌کننده سایر ادیان الهی است. «جامعیت شریعت اسلامی این‌گونه ایجاب می‌کند که انسان می‌تواند پاسخ و راه حل همه‌ی نیازهای زندگی خود را از طریق شریعت و در چارچوب آن به احسن وجه بیابد»^۱.

اینکه چرا قوانین و مقررات جاری و حاکم بر جامعه باید بر موازین و دستورات اسلامی منطبق باشد، دلایل زیادی دارد. می‌توان گفت مهم‌ترین این ادله، توحید در تشریح است؛ به این معنی که خداوند تنها قانون‌گذار عالم خلقت است و در تشریح با کسی شریک نیست.^۲ قرآن کریم در آیات بسیاری به این موضوع اشاره نموده است؛ در آیات ۴۴، ۴۵، و ۴۷ سوره مبارکه مائده^۳، کسانی را که بر طبق آنچه که خداوند نازل کرده است (منظور قوانین و دستورات الهی است)، حکم نمی‌کنند، کافر، ظالم و فاسق شمرده است. همچنین در آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف بیان می‌کند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکم تنها از آن خداست.» و در آیه ۲۶ سوره مبارکه کهف، شریک نداشتن خداوند در تشریح را به این شکل بیان می‌کند: «وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا؛ و هیچکس در

۱ کعبی، پیشین، ۱۳۹۳ش، ص ۱۵

۲ از روایات متعددی نیز استفاده می‌شود که پیامبر اسلامص بعضی از امور را واجب یا حرام کرده است که در زبان روایات به عنوان «فرض‌النبی» نامیده شده، البته همه اینها طبق فرمان خداوند و اختیاراتی است که به پیامبرش واگذار کرده است. (مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۳۲۸ و ۳۲۹)

۳ و مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ / و مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ / و مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

حکم او شریک نیست».

طبیعتاً شخصی که خداوند را بعنوان آفریدگار و خالق عالم هستی می‌داند، قانون‌گذاری و تشریح را مختص ذات الهی می‌داند، چراکه خالق عملاً حق تشریح دارد. با در نظر گرفتن توحید در تشریح بعنوان یک پیش‌فرض، درک این مسئله که برپاداشتن شرع خداوند واجب است، آسان می‌شود. دلیل دیگری که می‌توان برای الزام انطباق قوانین و مقررات با موازین اسلامی، به آن اشاره نمود، همین مسئله است که از دلیل اول نتیجه گرفته شد.

در اصطلاح به آن قاعده و جوب اقامه شرع الله می‌گویند. این قاعده بدین معناست که یکی از واجباتی که بر ذمه دولت اسلامی و عموم امت اسلامی است، این است که شریعت اسلامی را بصورت کامل اقامه کنند.^۱ اسلام آخرین دین الهی و تکامل یافته سایر ادیان الهی است، «اسلام واقعی تجزیه پذیر نیست، هنگامی که گفتیم: مسلمانیم، باید همه قوانین آن را به رسمیت بشناسیم، و اینکه بعضی می‌گویند این قوانین همه قابل اجرا نیست، پندار بی اساسی است که از یک نوع غرب‌زدگی و خودباختگی ناشی شده است».^۲

ویژگی این قوانین اینست که از سوی خداوند که خالق انسان است صادر شده است، چرا که خداوند بر انسان و تمام ابعاد وجودی اش دانش کاملی دارد و بر هرچیزی آگاه است. لذا قوانینی که از سوی خالق صدور یافته باشند،

۱ کعبی، پیشین، ۱۳۹۳، ش، ص ۱۷

۲ مکارم شیرازی، پیشین، ۱۳۷۴، ش، ج ۸، ص ۳۳۰

امکان لازم برای رشد، سعادت و تکامل بشر را بدنبال دارد. چرا که این قوانین و دستورات (موازین اسلامی) ثابت و بدون تغییر هستند و همه‌ی امور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند.

از این روست که قانون‌گذار در اصل چهارم قانون اساسی، به انطباق کامل همه‌ی قوانین موجود در کشور، با موازین اسلامی (احکام و دستورات صادر شده از سوی خالق) دستور می‌دهد.

فهرست منابع

الف) کتب

- ۱- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴ش
- ۲- الهامی نیا، علی اصغر، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶ش
- ۳- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق رجایی، سید مهدی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق
- ۵- جوان آراسته، حسین، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۸۹ش
- ۶- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق
- ۷- خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ش
- ۸- خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰ش
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش

۱۰- سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، قم، جماعة المدرسین الحوزة العلمية بقم مدرسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق

۱۱- شریفی، احمد حسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، نشر معارف، ۱۴۰۰ش

۱۲- شهید ثانی، منیة المرید، ترجمه ساعدی خراسانی، محمدباقر، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۷۱ق

۱۳- شیخ صدوق، التوحید، قم، چاپ هاشم حسینی طهرانی، ۱۳۵۷ش

۱۴- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، نشر بیدار، ۱۳۶۶ش

۱۵- طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش

۱۶- عباسی، بیژن، مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴ش

۱۷- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، نشر معارف، ۱۳۹۰ش

۱۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین کمالان، سید مهدی، تهران، انتشارات کمالان، ۱۳۹۸ش

۱۹- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی

۲۰- کعبی، عباس، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی

- اصل چهارم قانون اساسی، تحقیق ابوالحسنی، محسن، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳ش
- ۲۱- کعبی، عباس، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی اصل ششم قانون اساسی، تحقیق ابوالحسنی، محسن، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴ش
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه حسن زاده، صادق، تهران، قائم آل محمد ص، ۱۳۸۵ش
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- ۲۴- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، قم، چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش
- ۲۵- مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ش
- ۲۶- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۸۹ش
- ۲۷- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، تهران، صدرا، ۱۳۸۹ش
- ۲۸- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ش
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش

۳۰- مکارم شیرازی، ناصر، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، تهیه و تنظیم آشتیانی، محمدرضا، و امامی، محمد جعفر، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷ش

۳۱- منتسکیو، روح القوانین، ترجمه مهتدی، علی اکبر، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹ش

۳۲- نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۶۶ش

ب) مقالات

۱- اسلامی، محسن، «سیاست خارجی در اسلام»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، ش ۳، ۱۳۹۲ش، ص ۶۱۱-۶۳۶

۲- تنگستانی، محمد قاسم، و مرادی برلیان، مهدی، «درآمدی بر تکلیف دولت در حذف تشکیلات غیر ضرور»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ش ۳۹، ۱۴۰۲ش، ص ۴۷-۷۰

۳- داودی، حدیثه، و مهدی فر، محمد، «مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی؛ مبانی فقهی و گونه‌های حقوقی»، نشریه فقه حکومتی، ش ۱۵، ۱۴۰۰ش، ص ۵۵-۸۱

۴- لک زایی، نجف، و نظری، نصرالله، «قرآن و آزادی سیاسی»، دوفصلنامه علمی-ترویجی قرآن و علم، ش ۱۱، ۱۳۹۱ش، ص ۱۲۳-۱۵۹

۵- محمدی الموتی، محسن، «اهداف و مکانیزم‌های سیاست خارجی در اسلام»، فصلنامه دین و سیاست، ش ۱۹-۲۰، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۵-۱۳۷

ج) پایگاه اینترنتی

۱- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای،

فیش سخنرانی، www.khamenei.ir

